



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۰۸

عبد القیوم میرزاده

باز هم سخنی در باره تعصب

در باره تعصب، افراط گرایی و تأثیرات مرگبار آن در جهان و خاصاً در جامعه بلا کشیده ما که بیش از چهار دهه جنگ، برادر کشی، تخریب و ویرانی همه ساختار های جامعه را پشت سر گذاشته طی نوشته های متعدد توضیح ارائه کرده ام. اما میبینم که هنوز هم این آفت کشنده اجتماعی در میان شماری از مردم و بالاخص در میان عده که خود را روشنفکر و روشنگر جامعه هم قلمداد میکنند و وب سایت هایی را هم در سیطره خویش دارند بازار پر رونق داشته و طی هر نوشته ای مخالفین نظریاتی خویش را با چنان تعصب کور به نفرین و استهزا میگیرند که گویی بار دگر هیتلر و یهودیان در مقابل هم قرار گرفته اند. این آقایون و خانم ها دعوی روشنگری و روشنفکری داشته و هر کدام بالنوبه مقالات مبسوطی هم مینویسند، ولی در هر مقاله در عوض وصل مجدد مردم بلا کشیده افغانستان، تقلیل و زدودن مخاصمات و کدورت ها و دلجویی و آشتی در پی فصل مردم اند و القاب را که سازمانهای استخباراتی خارجی برای انقطابات اجتماعی کشور ما در زراد خانه هایشان تئوین و استخراج کرده بودند و بوسیله آن جنگ های تحمیلی را بر ملت ما تحمیل، مردم ما را قتل عام و همه هستی کشور ما را تباہ و تاراج کردند، استفاده کرده و مخالفین نظریاتی خویش را که گاهی شامل طیف های بزرگ از جامعه میگردند بصورت کتلوی مورد نفرین، شماتت، نکوهش و عتاب قرار داده و در هر نوشته ایشان در باره هر موضوع و مسئله که مربوط مسایل روز مینویسند راه را کج ساخته بدون هر نوع رابطه موضوع را بر میگردانند و بر گروه هایی از مردم میتازند. این افراد متعصب که خود را داکتر، انجنیر، ژورنالیست، رئیس و وزیر هم مینامند آنقدر با عصبیت کور کورانه در این راه گام بر میدارند که سوال پیدا میشود: آقایون و خانم های محترم بیش از چهار دهه خون ریزی، تباہی، بر بادی، غلامی برای مردم کشور ما بس نیست که هنوز هم ملت را بطرف دشمنی و برادر کشی تحریک میکنید؟ بالای هریک نام گذاری های استخباراتی کرده و ملت را به جان هم می اندازید و خود که در بیشه های آرام امریکا و اروپا لمیده اید به تماشای جویبار خون ملت افغان نشسته اید. این کور دلان متعصب در حقیقت آنچنان در ضدیت با گروه هایی از مردم کشور قرار گرفته اند که با اسرار و لجاجت تمام گزینه های علمی، منطقی، حقیقی و واقعیت ها را نا دیده گرفته و تنها به باور های خود شان قدسیت قایل اند و تمام اعتقادات و باور های دیگران را مردود می شمارند. غرور و خود بزرگ بینی این افراد که احتمالاً در خانواده های متعصب هم تربیت و پرورش یافته اند هیچ مسئله ای را در چوکات منافع ملی به تحلیل و ارز یابی نگرفته بلکه هر موضوع را از عینک تعصب خویش میبینند. آنها جهان را طوریکه خود شان میخواهند میبینند نه طوریکه وجود دارد. آنها برای خودشان جهانی وابسته، محدود و مختص به خود شان ساخته اند و واقعیت های پیرامون شان را اصلاً نمیبینند. افراد متعصب همه امور زنده گی، اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را با معیار های قهرمانان خودشان به سنج میگیرند. هیچ اندیشه نو و فکری جدید را نمیپذیرند. بناً آنها با تمام قدرت بر علیه هر چه غیر از فکر خود شان است در جنگ و ستیز اند و همچنان تلاش بر این دارند تا فکر، باور و اعتقاد شان را همه چشم پوشیده بپذیرند و یا در صورت امکان آنرا حتی به زور سرنیزه به مردم می قبولانند. آنها نمیدانند و یا هم نمی خواهند بدانند که رسیدن به باور و اعتقاد راهی نیست که کسی دیگر بجای کسی دیگر آنرا برود هر کی خودش باید این راه را ببیماید و به آن و یا این باور برسد، آنانیکه قبلاً این راه را پیموده اند تنها کاری که از دست شان بر می آید همین است که دلایل، شواهد و استنباطات خویش را به سایرین همسانی کنند نه اینکه آنرا به زور توپ و تفنگ براه خودشان بکشانند. هستند دانشمندان ژرف نگر و وطن دوست که با نگاه ژرف و دانشمندان در پرتو منافع ملی کشور دوره های مختلف تاریخ کشور را به تحلیل و ارزیابی گرفته،

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

نارسایی ها، کجروی ها، ندانم کاری ها، خیانت ها و جنایات بوقوع پیوسته را با در نظر داشت اوضاع و انکشافات منطقی و بین المللی آلمان به نقد گرفته و خطوط روشن منافع ملی کشور ما را برای نسل های آینده نشانی میکنند. تا از یکطرف مردم و بالاخص جوانان این نیروی بالنده کشور از جریان انکشافات تاریخ و جامعه خویش آگاهی حاصل کنند و ازطرف دیگر با درس عبرت از تجارب گذشته از تکرار اشتباهات، خیانت ها و کجروی ها برحذر مانند. اما این متعصبین سیاه دل و یا آنانیکه نظریات دگم اندیشویی، مذهبی، سیاسی، ملی، نژادی و یا فرهنگی دارند تمام افراد غیر خودشان و یا غیر همفکر شانرا دشمن مطلق می شمارند، دنیای آنها در محدوده ای همان فکر دگم شان محدود میباشد. آنچه در این محدوده خطرات بزرگ و تباهی را متوجه زندگی و امنیت مردم افغانستان میگرداند همانا آشتی نا پذیری این متعصبین با دگر اندیشان در جامعه ما میباشد زیرا این افراد متعصب بسیار خشونت گر، انعطاف نا پذیر و تا سرحد جنون وابسته به یک محدوده ای فکری و مصالحه نا پذیر که هر آن آماده اند در راه فکر دگم شان همه انهاییکه آنچنان فکر نمیکنند نفرین کرده و از میان بردارند. از نظر من این برخورد های تعصب آمیز این گروه کوچکی از متعصبین است که برای بسیاری از مردم خاصاً قشر جوان کشور فضای بی اعتمادی ایجاد کرده و بحران اعتماد را در کشور ما دامن میزند. به همین مناسبت جوانان کشور ما تا کنون نتوانسته اند در فضای اعتماد کامل باورمند نیروی خود گشته و روش مناسب در راه تحقق منافع ملی کشور اتخاذ بدارند. فرق این متعصبین روشفکر نما با طالبان، داعشیان و اسلامگرا های افراطی همین است که آنها با استفاده از ظرفیت های نظامی و لوژستیکی کشور های خارجی منجمله پاکستان و ایران در اولین برخورد به محو فزینی مخالفین شان عمل میکنند و لی این متعصبین روشفکر نما تخم نفاق و جدایی و مخاصمت در میان مردم میکارند که ثمرش در دراز مدت همان است که طالب و داعش انجام میدهد. همین خصوصیت تعصب و افراط گرایی است که کشور ما را زیر سیطره ایدئولوژی های راست و چپ، مذهبی، سمتی، قومی و زبانی قرار داده و بطرف پرتگاه نیستی هل میدهد. از بررسی هاییکه در میان این متعصبین اعم از مذهبی، ملی، ایدئولوژیک و فرهنگی صورت گرفته بوضاحت میرساند که همه برنامه های این متعصبین افراط گرا ملامت از خشونت، کشتن بستن، محو فزینی دگر اندیشان، جنگ، انتحاری، پخش و اشاعه نظریات افراطی در زیر عناوین بسیار ارزشمند دینی، شعار های میهن پرستانه و سایر خطوط فکری چون چسبیدن به شخصیت ها و رهبران دولتی و حکومتی که دگر وجود ندارند ولی برای عده زیادی از مردم از اهمیت معنوی برخوردار میباشد سوء استفاده ابزاری میکنند. ذهن و مغز این افراد متعصب با گرایشات افراطی حتی آماده گی شنیدن نظریات غیر از خود را ندارند، آنها تنها چیز هایی را میخواهند بخوانند، بشنوند، ببینند و لمس کنند که به آن باور دارند و وابسته شده اند و تمام جهان خارج از این خط را نفی میکنند و از نظر شان باطل است. این متعصبین بدون اسناد، شواهد، مدارک اثباتیه کتله بزرگ از انسانهای شرافتمند، با دیانت، وطن دوست، مردم دوست و انسان محور را با کلمات بسیار زشت دور از کرامت انسانی که نمایانگر تربیت و سیرت خودشان میباشد یاد کرده و در مسند قاضی القضاة گل جهان نشسته و چنان حکم صادر میکنند تو گویی خود چه فرشتگانی آسمانی اند. اگر کمی به علایق و سوابق این جنابان نظر انداخته شود به آسانی در میابی که هر کدام شان ده ها فقره فساد، دزدی، اختلاس، سوء استفاده از بیت المال، سوء استفاده از چوکی و قدرت، زد و بند های پنهانی مغایر منافع ملی با کشور ها و کمپنی های خارجی و اعمال دور از کرامت انسانی در تاریخچه زندگی و عملکرد خویش دارند. این متعصبین هیچگاهی خود را در آئینه نمی بینند. در هیچ نوشته آنها انتقاد از خود جا ندارد. آنها هرگز خود و قهرمانان خیالی شان را به نقد ارزیابی نمیگیرند. همه ارزیابی ها، تحلیل ها، انتقادات، نفرین ها، شتاب ها و عتاب هایشان متوجه مخالفین شان است. اگر بصورت کل همه انواع تعصب را در نظر بگیریم تقریباً همه متعصبین و افراطیون وظیفه خدایی را انجام میدهند که گویا آنها زمین را از افراد مضر، نجس و ناپاک منزله میگردانند. در جهان ما هم اکنون نمونه های فراوان گروه های این چنینی هم در میان عیسویان، مسلمان ها، هندو ها، ملی گرایان، ایدئولوژی های سیاسی با دکتترین خاص و فرقه گرایان نژادی وجود دارد که هر از گاهی برای اهداف خاص استراتژیک و سیاسی از آنها بهره برداری صورت گرفته و یا شاخه های آن در کشور های مورد نظر تأسیس و ایجاد میگردد. هكذا همین تعصب و افراط گرایی است که دارنده گانش را افراد لجاجت، خود بزرگ بین، خود محور، دگم اندیش که هیچگاهی موضوعی را با استدلال منطقی ارایه کرده نمیتواند و خود را برتر از همه میدانند بار می آورد. همچنان این وابستگی های شدید فکری و عملی نسبت به اشخاص، عقاید و یا هر شئی دیگر است که عامل انتقال بسیاری از زشتی ها، خرافات و روش های نا پسند غیر انسانی به بهانه ای حفظ آداب و سنن از نسلی به نسلی دیگر میگردد انسانها را به لجاجت و تقلید کور کورانه و میدارد و سر چشمه ای بسیاری از کشمکش ها، جنگها و خونریزی ها و اختلافات جامعه بشری میباشد. کوتاه فکری، جهل، تکبر، خود خواهی، خود بزرگ بینی، داوری و پیش داوری بدون دلایل منطقی همه نتایج تعصب و افراطیت بوده که پرده ای ضخیمی بروی عقل انسان هموار میکند تا عقل دیگر قادر به دیدن هیچ چیزی نباشد از همین جاست که متعصبین و افراط گرایان همه نابسامانی های خود و اجتماع ماحول شان را در غیر خودی ها و دگر اندیشان میبینند و تمام بار ملامت را بدوش آنها میاندازند که فکر و اندیشه خلاق دارند.

در فضای عقب مانده کشور ما در اواسط قرن بیستم که بیش از ۹۰ درصد مردم ما در شرایط بسیار دشوار بیسوادی، فقر، بیکاری، پاهین بودن سطح آگاهی مردم از مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسر میبردند و هکذا در زیر فشار مضاعف جنگ سرد ایدئولوژی های چپ و راست، سرخ و سبز از بیرون وارد کشور ما گردید و جامعه شهری را متلاشی و به قطب های آشتی ناپذیر منقسم گردانید. چون سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این شهر نشینان و مردم بسیار نازل بود عده از آنها مانند مور و ملخ به این ایدئولوژی ها چسبیده و از آن برای خود کتاب های مقدس ساختند و بنابر خصوصیت فرهنگی جامعه ما اشاعه کننده گان آن را بحیث رهبران امپراطور مآب مادام العمر همچنان با قدسیت و پیغمبر مآب پذیرفتند و در جریان کارزار سیاسی و اجتماعی تمام منافع علیای ملی را فدای این ایدئولوژی ها و رهبران خویش کردند و همه آنها را که چنین نمی اندیشیدند یا بهتر بگویم دگر اندیشان را یکسره دشمن خونی خویش قلمداد کردند و در پی قلع و قمع آن بر آمدند. عده از رهبران این متعصبین و افراط گرایان سیاسی و ایدئولوژیک حتی به اعضای سازمان سیاسی خود هم رحم نکردند و اولین تصفیه های مخالفین را از سازمان های خود هم شروع کردند. از اینجا بود که فضا در کشور ما روز تا روز مختق تر شده و طرف های دیگر جنگ سرد که در کمین نشسته بودند با ایجاد، پخش و اشاعه تعصب کور مذهبی و افراط گرایی پا فراتر گذاشته به همه مردم کشور که در قلمرو مخالفین شان زنده گی میکردند یکسره حکم تکفیر صادر کرده و واجب القتل دانستند و تا حد آخرین امکان شان به هر وسیله ایی مردم را کشتند و دار و ندار مردم را به یغما بردند و کشور را به تباهی کشاندند و دامنه این تعصبات روز تا روز فراتر گشته و کران تا کران میهن ما را فرا گرفته است. که این سلسله همین اکنون بوسیله مراجع نظامی - استخباراتی، مذهبی و مدارس دینی با صرف میلیارد ها دالر در داخل و خارج کشور ما از جانب سازمانها و کشور هاییکه از این راه در جستجوی اهداف خویش اند بصورت متداوم در تولید و باز تولید مجاهد، طالب، داعش، ناسیونالیست افراطی قومی، نژادی، مذهبی و ایدئولوژیک مصروف هستند.

به دلایلی که در بالا ذکر کردم بنابر سیاست های استیلا گرانه کشور های همسایه و در سایه مخوف جنگ سرد بین شرق و غرب، تبلیغات کر کننده و فضای مختق سیاسی بعد از جنگ دوم جهانی و عوامل داخلی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور کتله هایی از مردم ما تحت تأثیر اندیشه های وارداتی شرق و غرب و اسلام سیاسی قرار گرفتند که وابستگی رهبران این کتله ها به کشور های خارجی پای سیاست های بلاک های شرق، غرب، کشور های اسلامی و سازمان های تروریستی را در کشور ما باز کرده و سلسله کودتا ها و ضد کودتا ها را یکی پی دیگری در کشور ما راه انداخت و تا سرحد تجاوز مستقیم نظامی کشور های خارجی را مسبب گشت که هر کدام این مسایل مستلزم کاوش دانشمندان بوده و متخصصین و دانشمندان جامعه شناسی، تاریخ، علوم سیاسی، حقوق و اداره بانیست این کار را بسر رسانند. همه اتباع افغانستان و دست اندر کاران مسایل افغانی حق دارند دانستن های، نظریات و چشمدید های شان را بصورت مستند به طریقه های مختلف پخش و اشاعه کنند. ولی هیچ کس حق ندارد کتله بزرگ از انسانها را با خانواده هایشان بصورت دسته جمعی بخاطر باور هایشان و یا مشارکت شان در ادارات روتین یک نظام مورد نفرین، توهین و عتاب قرار دهند.

انعطاف پذیری و مصالحه دو رکن اساسی بار آوری انسان دگر اندیش میباشد که انسان را با معیار های فوق العاده انسانی و پذیرش دیگران یاری میرساند. انتقاد پذیری، فورمولبندی انتقاد سالم با ارایه دلایل منطقی میرا از بغض و کینه و پذیرش اشتباهات از خصیصه دیگر دگر اندیشی می باشد، فرا گیری چنین خصایل انسانی و عمومیت بخشیدن آن در میان همه مردم نفاق را جلو گرفته وفاق و آشتی میان مردم بمیان می آید.

بباید در هر کجایی با هر فکر و نظری که هستیم همه خرد، توانایی، امکانات و دانش خویش را برای وصل مردم خویش بکار گیریم. سعی کنیم تا کدورت ها را از دل هایمان بزدایم و همدلی و همیاری را پیشه کنیم. همدلی و همیاری یعنی با عینک دیگران هم دنیا را دیده بتوانیم، خود را جای دیگران قرار بدهیم و برای لحظات کوتاه آنچه برای دگران مهم است هم اهمیت قایل شویم. با همدلی و همیاری انسانها بیشتر محترم، بیشتر دوست داشتنی تر و بیشتر معزز و گرامی میگردند.